خراسان بزرگ: سال پنجم، شماره (۱۶)، پائیز ۱۳۹۳
Quarterly bulletin of Greater Khorasan:Vol.5, No.16, automn 2014-2015

# عملکرد مدیریت مشارکتی- تعاملی دهیاران در توسعه اقتصاد روستایی با تأکید بر عناصر "تولید"و"سرمایه‌گذاری"(مورد: بخش مرکزی شهرستان کوهدشت)

**عبدالرضا رحمانی فضلی[۱]، رحمت اله منشی‌زاده[۲]، جهانبخش علی پوریان[۳]**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۲۴
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۱۵

## چکیده

مدیریت مشارکتی ـ تعاملی به‌عنوان تحولی نوین در نظام برنامه‌ریزی روستایی بعد از انقلاب اسلامی، مبنایی برای تسریع روند توسعه در مناطق روستایی ایران مطرح شد. در این میان، دهیاران به‌عنوان مدیران روستایی کشور می‌توانند نقشی تعیین‌کننده در افزایش سطح تولیدات، افزایش سطح درآمد و جذب سرمایه‌های بومی و غیربومی و درنهایت توسعه اقتصاد روستایی داشته باشند. روش پژوهش مورداستفاده پیمایشی و از نوع توصیفی – تحلیلی است که بعد از جمع‌آوری داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزار تحلیلی SPSS فرضیه پژوهش آزموده شد. با توجه به گویه‌های پرسشنامه پژوهش میزان تغییرات «سطح تولید» و «سرمایه‌گذاری» قبل و بعد از نهاد دهیاری‌ها موردسنجش قرار گرفت. در زمینه تولید میانگین کلی گویه‌ها با ۰,۰۲ درصد و سرمایه‌گذاری با ۰,۱۵ درصد تغییرات بعد از تشکیل دهیاری‌ها بوده است. همچنین نتیجه آزمون ویلکاکسون و T-test مزدوج نشان‌دهنده عملکرد مدیریت مشارکتی- تعاملی ضعیف و بدون برنامه دهیاران در توسعه اقتصاد روستایی (در بعد تولید و سرمایه‌گذاری) است.

**واژگان کلیدی:**

مدیریت مشارکتی ـ تعاملی، دهیاران، اقتصاد روستایی، تولید، سرمایه‌گذاری، بخش مرکزی کوهدشت.

---

۱- دانشیار و عضو هیأت علمی گروه جغرافیای انسانی دانشگاه شهید بهشتی

۲- دانشیار و عضو هیأت علمی گروه جغرافیای انسانی دانشگاه شهید بهشتی

۳- دانشجوی جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه شهیدبهشتی(نویسندهٔ مسئول)- jahanbakshrika@yahoo.com

## ۱. مقدمه و بیان مسأله

### مقدمه و بیان مسئله

نقاط روستایی و جوامع روستانشین از دیرباز، همانند سایر جوامع انسانی دارای سلسله‌مراتب مدیریتی و نظام اجتماعی مناسب با اوضاع‌واحوال اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زمان خود بوده است؛ زیرا بدون نظم و نسق اجتماعی اصولاً اداره هیچ‌یک از جوامع بشری، ازجمله مناطق روستایی که پیوسته عهده‌دار تأمین خوراک، سرباز و آذوقه برای تدارک جنگ‌های طولانی در این کشور بوده، امکان‌پذیر نیست(ابری، ۱۳۸۳: ۴۳). موضوع اندیشه‌های اداری ، دانش مدیریت و بخصوص هدایت و رهبری، موضوعی است که همراه با زندگی اجتماعی انسان و حتی قبل از آن مطرح بوده است (حقیقی و همکاران، ۱۳۷۸: ۵)؛ بنابراین، مدیریت یک پدیده نو و تازه نیست و تاریخ آن به صدر تاریخ اجتماعی بشر، یعنی زمانی که بشر از زندگی خانوادگی به زندگی قومی و قبیله‌ای، و سپس، به زندگی مقدماتی کشاورزی و پس‌ازآن، به زندگی مدرن صنعتی و سرانجام به زندگی بسیار پیچیده عصر حاضر قدم می‌گذارد (کیا، ۱۳۷۷: ۷). با نگاهی به سیر تحولات مدیریت روستایی در ایران در سال‌های قبل و بعد از انقلاب در اغلب مواقع شاهد ضعف و خلأ مدیریت روستایی در کشور بوده‌ایم، بااین‌حال تشکیل شوراهای اسلامی روستا بعد پیروزی انقلاب اسلامی را می‌توان گام مثبتی به‌سوی جلب مشارکت بیشتر روستاییان در مدیریت توسعه روستایی تلقی نمود. با توجه به ماهیت شوراهای اسلامی روستایی به‌عنوان نهادی تصمیم‌گیرنده و غیر اجرایی، ایجاد بازویی که مجری تصمیمات اعضای شورای اسلامی روستا باشد، امری غیرقابل‌اجتناب بود. از طرف دیگر تداخل حوزه فعالیت بسیاری از سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی فعال در سطح روستا، پیامدها و اثرات نامطلوبی بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و همین‌طور پیکره فیزیکی روستا بر جای می‌گذاشت. بر این اساس تأسیس این نهاد عمومی غیردولتی نشانه‌ای از حرکت به‌سوی اجرای نظام نوین مدیریت در روستاها است که می‌تواند تحول شگرفی در فرایند مدیریت و توسعه روستایی ایجاد نماید (بدری، ۶۷،۱۳۸۸).

بنابراین ، مجموعه مدیریت باید به‌وسیله الگویی کارآمد بتواند قدرت عمل، ابتکار در توسعه ،سازندگی و سیاست‌گذاری را در دست بگیرد و درک توسعه محلی، بروز ابتکارها، جمع‌گرایی و مشارکت را در دستور کار قرار دهد و قادر به تحلیل و رفع و رجوع مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی فضاهای روستایی باشد. بنابراین ضرورت دارد تا ازیک‌طرف با شناخت مشکلات و مسائل مناطق روستایی کشور در دوره‌های مختلف و مدیریت روستایی در این دوره‌ها و از طرف دیگر با شناخت پیچیدگی‌های ساختار برنامه‌ریزی و مدیریت نوین جوامع روستایی، به لحاظ مطرح‌شدن مفاهیم نوین مدیریت و توسعه مانند مشارکت، ظرفیت‌سازی توانمندسازی و... حتی در چارچوب نظریه نوسازی که به پایداری حداقلی در قالب توسعه پایدار اعتقاد دارد به الگوی مطلوب مدیریت روستایی نوین دست‌یافت که علاوه بر برخورداری از معیارهای مدیریتی همانند برنامه‌ریزی، نظارت و... تحولات و تغییرات محیطی مناطق روستایی را در بر داشته باشد. توسعه اقتصادی و توجه به عناصر اصلی اقتصاد روستایی یعنی؛ افزایش سطح تولیدات، افزایش درآمد و سرمایه‌گذاری از ضرورت‌های مدیریت نوین روستایی کشور است. مدیران توانمند روستایی کشور با ساختار شوراهای اسلامی و بخصوص دهیاران می‌توانند زمینه‌ساز شکوفایی اقتصاد روستایی و باعث تسریع روند توسعه پایدار اقتصادی روستاها شوند. قابلیت‌ها و پتانسیل‌های موجود اعم از منابع و امکانات در راستای توسعه اقتصاد روستاها را کسی جز خود روستاییان و مدیران روستایی نمی‌توانند شناسایی و بالفعل نمایند. آنچه در این پژوهش به دنبال آن هستیم، این است که؛ آیا مدیریت محلی با تأکید بر دهیاری‌ها توانسته است مشارکت و تعامل سازنده‌ای در راستای توسعه اقتصاد روستایی به‌ویژه عناصر "تولید" و "سرمایه‌گذاری" داشته باشد و اینکه در عناصر مذکور تفاوت معناداری بین قبل و بعد از نهاد دهیاری‌ها دیده می‌شود؟

### مبانی نظری پژوهش

در متون مدیریت، مدیریت، فرآیند به‌کارگیری مؤثر و کار آمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات و هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی موردقبول صورت می‌گیرد (رضائیان،۱۳۸۰: ۶). مدیریت روش دستیابی به اهدافی است که برای یک سازمان در نظر گرفته می‌شود و وظایفی است که بر عهده مدیر گذارده می‌شود. مدیریت به معنای برنامه‌ریزی، ساماندهی، نظارت و ایجاد انگیزش است (سعید نیا، ۱۳۷۹: ۲۰-۲۱).

مدیریت نوین به‌عنوان مجموعه‌ای از سیستم‌ها نظیر سازمان‌دهی محیط کار، پیشنهادها و اطلاع‌رسانی سریع و... که بر اساس تفکر بهبود مستمر استقراریافته و به‌منظور افزایش بهره‌وری فعالیت می‌نماید، تعریف‌شده است (شمیمی، ۱۳۹۰). با این وصف مدیریت روستایی دارای یک ساز و کار و یک مفهوم کلی است. در مدیریت مدرن امروز، مشارکت در کانون تصمیم‌گیری محسوب می‌شود. مشارکت در چند سال اخیر منجر به حضور در جوامع محلی شده، در

بعضی از انواع سطوح و بخش‌های دولت مرکزی، بنگاه‌های دولتی نیمه‌مستقل و سازمان‌های داوطلبانه محلی متمایل شده است (Mwita,2000,13). به عقیده برخی نظریه‌پردازان مدیریت و توسعه، مدیریت کارا و اثربخش می‌تواند از مجرای توسعه خدمات و کالاها موجب تفاوت واقعی در زندگی بشر شود و به نحوی مدیریت، مبارزه‌ای پویا ازنظر تغییر و تطبیق فعالیت‌های سازمانی با محیط متغیر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است (استونر و همکاران،۱۳۸۲). برای تحقق چنین عناصر سازمان‌یافته‌ای، در ابتدا باید به دیدگاه‌ها و نظریات مربوط به مدیریت و مدیریت روستایی پرداخت که در ادامه موردتوجه قرارگرفته است.

## دیدگاه‌ها و نظریات مدیریت و انطباق آن با مدیریت روستایی ایران

با بررسی متون مدیریت و مدیریت روستایی و همچنین بررسی سیر تحول نظریات مدیریت، می‌توان آن‌ها را به‌طور عام در چهار مکتب عمده به شرح زیر دسته‌بندی کرد:1) مکتب کلاسیک2) مکتب نئوکلاسیک۳) مکتب ساخت‌گرایان 4) نظریه‌های نوین مدیریت.

## مکتب کلاسیک

بر طبق نظریه‌های علمای مکتب کلاسیک، مهم‌ترین عامل یگانگی گروهی در پیوندهای سازمانی، عبارت است از: به وجود آوردن مصالح اقتصادی مشترک (پرهیزگار،۱۳۸۲: ۱۲۷). این، مکتب شامل سه نظریه است: الف) نظریه مدیریت علمی: الگوی مدیریت علمی تا حدی به سبب نیاز به افزایش تولید به وجود آمد. به‌ویژه در آغاز سده بیستم که در ایالات‌متحده آمریکا نیروی کار بسیار کم بود، تنها راه بهبود بازدهی و بالا بردن تولید این بود که کارآیی کارگران بالا رود. ازاین‌رو فردریک تیلور، هنری گانت و فرانک و لیلیان گیلبرت اصولی را ارائه کردند. ب) نظریه اصول‌گرایان: که آن را تئوری علمی مدیریت می‌نامند(استونر،۱۳۷۹: ۵۰). بزرگان این نظریه هنری فایول فرانسوی است. وی معتقد است که اصول و قواعد مدیریت بر مفروضات عقل و منطق استوارند. وی سازمان‌های اجتماعی را بر آن می‌دارد که از این علم و یا فن برای بهبود وضع سازمانی خویش استفاده نمایند. فایول اصولی را به شرح زیر به تئوری‌های مدیریت ارائه نموده است:1 - اصل تقسیم‌کار 2- اصل اختیار و مسئولیت3- اصل انضباط 4 - اصل وحدت فرماندهی 5- اصل وحدت رهبری- 6اصل برتری سود همگانی بر سود انفرادی 7 - اصل حقوق و مزایا 8 -اصل تمرکز و یا عدم تمرکز 9- اصل سلسله‌مراتب 10- اصل ترتیب 11 - اصل تساوی و انصاف 12- اصل ثبات و پایداری شغلی 13- اصل ابتکار 14- اصل روحیه و همکاری (پرهیزگار،۱۳۸۲: ۵۵–۵۳)؛ ج) نظریه بوروکراسی: در این نظریه به سلسله‌مراتب اختیارات، خطوط ارتباطی و قوانین و مقررات بسیار دقیق توجه می‌شود و سازمان مطلوب و آرمانی سازمانی است که به‌صورتی دقیق و دیوان‌سالار باشد، یعنی فعالیت‌ها و هدف‌هایش به‌صورت منطقی سنجیده شوند و در آن مسئله تقسیم‌کار، به‌گونه‌ای دقیق رعایت گردند(استونر، ۱۳۷۹: ۵۴).

## مکتب نئوکلاسیک

بر طبق نظر نئوکلاسیک‌ها مهم‌ترین عامل یگانگی گروهی در پیوندهای سازمانی فرهنگ معنوی است. التون می یو، پدر مدیریت نئوکلاسیک است. از دیدگاه می یو اصل مبتنی بر «انسان اجتماعی» می‌بایست اصل مبتنی بر انسان اقتصادی را تکمیل کند. اصل مبتنی بر انسان اجتماعی بیش از کنترل‌های مدیریت بر روی نیروی کار اثر می‌گذارد. ولی در اصل «انسان منطقی» گفته می‌شود که نیازهای اقتصادی موجب انگیزه فرد می‌شود. مبتنی بر نتایجی که از تئوری نئوکلاسیک حاصل می‌گردد بر اصولی استوار گردیده که آن اصول به شرح زیر می‌باشند: 1- اشتراک مساعی افراد سازمانی با یکدیگر، ۲- تشویق اعضای - سازمانی به برقراری فعالیت‌های گروه، ۳- تقویت روحی و روانی کارکنان سازمانی، ۴- آشنا ساختن اعضای سازمانی به هدف‌های منطقی سازمانی، ۵- افزایش بازده کار سازمانی (پرهیزگار، ۱۳۸۲ :۱۲۰).

## مکتب ساخت‌گرایان

تئوری ساخت‌گرایان بر اساس تلفیق و ترکیب فلسفه‌های کلاسیک(مکتب مدیریت علمی) و نئوکلاسیک(مکتب روابط انسانی) و یا به‌عبارت‌دیگر سازمان رسمی و سازمان غیررسمی به وجود آمده است. ساخت‌گرایان معتقدند که با بکار بردن اصول و روابط سازمان رسمی و غیررسمی می‌توان تا حدودی از شدت بروز نارسایی‌ها و مشکلات جلوگیری نمود و تا حدی نارسایی‌های مادی و معنوی کارگران را کاهش داد؛ ولی به‌طورکلی تنها با بکار بردن شیوه‌های فلسفی روابط انسانی و مدیریت علمی هرگز نمی‌توان تعادلی بین احتیاجات سازمانی و نیازهای فردی سازمانی برقرار نمود (همان:۱۲).

## نظریه‌های نوین مدیریت

نظریه‌های نوین مدیریت عمدتاً توجه خویش را بر جامع‌نگری و انعطاف‌پذیری قرار داده و بر ماهیت متغیر محیط‌های داخلی و

خارجی تأکیددارند. این نظریه‌ها در سه دسته تقسیم می‌گردند: الف) نظریه سیستم‌ها در مدیریت: در نگرش سیستمی سازمان را به‌صورت یک واحد و یک سیستم منسجم، یکپارچه و هدف‌دار، که از اجـزای مختلف به‌هم‌پیوسته تشکیل‌شده است موردتوجه قرار می‌دهند. نظریه سیستم‌ها بیانگر این مطلب است که فعالیت هر، بخش از سازمان به مقیاسی متفاوت، بر فعالیت سـایر بخش‌هـا اثـر می‌گـذارد (اسـتونر، ۱۳۷۹: ۷۱). ب) نظریه اقتضایی در مدیریت: نگرش اقتضایی که به آن نگرش موقعیتی نیز گفته می‌شود بر این اساس قرار دارد که یک الگوی مدیریت برای همه موقعی تنها بـه‌عنوان بهتـرین را ه وجـود ندارد. وظیفه مدیران این است که تعیین کنند چه روشی، در موقعیت خاصی، تحت شرایط ویژه‌ای و در زمان بخصوصی بهترین زمینه را برای نیل به اهداف مـدیریت فـراهم می‌کنـد. در ایـن راه مـدیر از یافته‌های موجود در نظریه‌های کلاسیک، نئوکلاسیک و سیسـتمی بهره می‌گیرد و با توجه به شرایط زمان و مـوقعیتی کـه در آن قـرار دارد، تصمیم مقتضی در هر مورد اتخاذ می‌کند؛ به‌عبارت‌دیگر نگرش اقتضایی مستلزم پرورش مهارت‌های ادراکی است، مدیر بایـد یـک موقعیت را بشناسد، آن را درک کند و قبل از اتخاذ تصمیم، نگـرش مناسب با موقعیت را دریابد و آن را بکار گیرد. در نگـرش اقتضـایی، بهترین راه‌حل برای مسائل مدیریتی راه‌حلی است که به خصوصیات منحصربه‌فرد موقعیتی که مدیر با آن مواجه است پاسخ دهـد، شـعار نگـرش اقتضـایی ایـن اسـت «هـر چیـزی بـه موقعیـت بسـتگی دارد»(حیدری، ۱۳۸۵: ۵-۴).

### مدیریت مشارکتی ـ تعاملی

شکل جدید مدیریت روستایی مدیریت مشارکتی روستایی نام دارد. در این شیوه مدیریتی، عناصر بیرونـی تعیین‌کننـده سرنوشـت مـردم در روستا نیستند، بلکه مردم در تعامل با دولت و بازار سرنوشـت و آینـده خود را رقم می‌زنند. مشارکت دادن مردم روستایی که خود ذی‌نفـع و گروه هدف برنامه‌های توسعه‌اند، با شکل‌گیری سـازمان‌های مردمـی محلی در جامعه امکان‌پذیر است که بـدین ترتیـب، زمینـه‌ای فـراهم می‌شود تا نهادهای مشارکت‌کننده و همکاران طرح‌ها بـه‌طور بـالقوه کار تسهیلگری را انجام دهند. در برنامه‌های توسعه روسـتایی موفـق، عوامل بیرونی اغلب به‌صورت تسریع‌کننده/ تسهیلگر برنامه‌ها به کـار گرفته می‌شوند، زیرا از این عوامل  می‌توان در همه جنبه‌های فعالیت برنامه‌ها به‌ویژه رشد آگاهی‌ها، تأمین منابع مالی، ضمانت اجرایـی و... استفاده کرد (ESCAP,1996,19-26).

مدیریت مشارکتی با این اوصاف می‌تواند به زمینه‌ای برای نفی سلطه گـری، مهـارت‌آموزی و یـادگیری گروهـی، انعطاف‌پـذیری در تصمیم‌گیری، مشورت و اطلاع‌رسانی متقابل، بالا بردن اعتمادبه‌نفس افـراد، تربیـت نیـروی انسـانی فعـال و آگـاه بـرای اطلاع‌رسـانی و دانش‌افزایی و بالا بردن سطح اطلاعات و آگاهی‌های افـراد جامعـه و درنهایت، به زمینه‌ای برای احترام به توانایی‌های فـردی افـراد گـروه به‌عنوان عوامل مؤثر در توسعه بینجامد (ملک لگـان، ۱۳۸۰:۱۲۰) در این شیوه از مدیریت، حقوق، اعتبار و حرمت همه افراد محترم شمرده می‌شود و روستاییان با نقش‌های گوناگون درباره موضوعات و مسائل جامعه خود از زوایای گوناگون اظهارنظر می‌کنند و بـه دلیـل ماهیـت مشارکتی آن می‌توانند از هم‌فکری دیگران در رویارویی با مشکلات و مسائل بهره‌مند شوند؛ بنابراین، بـرخلاف مـدیریت سـنتی، نیروهـای بیرونی (دولت و بازار) نقش تسهیلگر یا کاتالیزور را در جامعه روستایی ایفا می‌کنند و برنامه‌های توسعه به‌طور مسـتقیم بـا همکـاری مـردم محلی به اجرا درمی‌آیند و به همین دلیل، شانس بیشتری برای نیل به موفقیت دارند (افتخاری و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۱).

### مدیریت روستایی با نگرش توسعه پایدار

در توسعه پایدار روسـتایی، مـدیریت یعنـی تنظـیم رابطـه انسـان بـا محیط‌زیست خود، که در آن به پیوند نظام‌های اجتماعی، اقتصادی بـا نظارت‌های بوم‌شناختی توجه می‌شـود (فیروزنیـا و افتخـاری، ۱۳۸۲: ۱۵۴)؛ بنابراین، در فرایند توسعه پایدار می‌توان مدیریت روستایی را در سه بعد اصلی اقتصادی، اجتماعی و محیطی در نظر گرفـت، کـه هـر یک از این ابعاد دارای جنبه‌های خاص خود هستند و اهداف مدیریتی در آن‌ها متفاوت اسـت (Zaslow,2000). بعـد اقتصـادی توسـعه یکی از ابعاد اصلی است که در جوامـع گونـاگون بـرای دسـتیابی بـه توسعه بدان تأکید فراوان شده و به سـه زیـر بخـش تولیـد، توزیـع و مصرف تقسیم می‌شود. در بعد اقتصادی هدف مدیریت ایجاد فضـای مناسبی برای توسعه اقتصادی است که طی آن جامعه کارایی، عرضه کالا و خدمات موردنیاز خود را افزایش داده و به‌تبع آن سطح زندگی و رفـاه عمـومی اعضـا را افـزایش می‌دهـد (معـارفی،۱۳۸۱: ۷۴-۷۳)؛ بنابراین در محیط روستا، هدف مـدیریت اقتصـادی تـأمین سـرمایه، تـأمین تغذیـه، جلـوگیری از خـروج سـرمایه، ایجـاد زمینـه اشـتغال، کارآفرینی، تأمین بازار برای فروش کالاها و خدمات تولیدی و کنتـرل میزان مصرف، مدیریت عرضه و تقاضا، تأمین منابع لازم و... به‌مثابـه پایه و اساس فعالیت مدیریتی برای توسعه روستایی اسـت (افتخـاری، ۱۳۸۴: ۱۲).

**معرفی محدوده و حجم نمونه پژوهش**

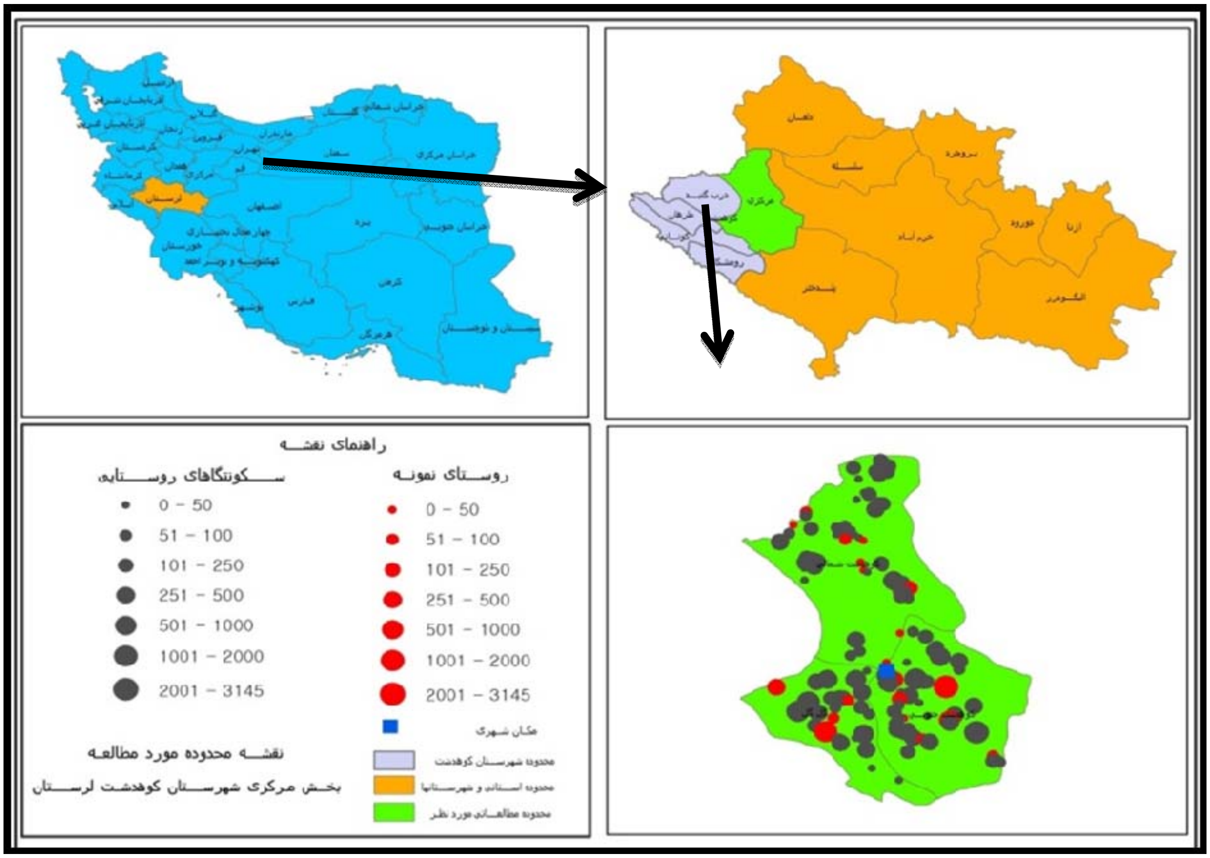
بخش مرکزی شهرستان کوهدشت ازلحاظ موقعیت ریاضی بین ۳۳ درجه و ۱۹ دقیقه و ۳۳ درجه و ۵۶ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۱۶ دقیقه و ۴۷ درجه و ۵۰ دقیقه طول شرقی واقع‌شده است و ازلحاظ موقعیت نسبی نیز از طرف شمال به شهرستان نورآباد و شیروان چرداول، از طرف جنوب به شهرستان پلدختر، از غرب به بخش طرهان و کونانی و از طرف شرق به شهرستان خرم آباد محدود می‌شود. بخش مرکزی کوهدشت با وسعت ۱۶۸۵ کیلومترمربع در شرق شهرستان کوهدشت قرار دارد. این بخش از سه دهستان به نام‌های کوهدشت شمالی، کوهدشت جنوبی و گل گل تشکیل‌شده است. حجم جامعه آماری بخش مرکزی شهرستان کوهدشت از استان لرستان ۱۳۶ آبادی روستایی دارای سکونت، با ۳۵۷۷۸ نفر (۷۲۷۷خانوار) است. در این پژوهش نمونه‌گیری در دو سطح انجام‌شده است؛ الف: نمونه‌گیری در سطح آبادی که با استفاده از روش لایه‌بندی "Stratified Classification"که در این مورد عوامل مهمی مثل موقعیت طبیعی (دشتی، کوهستانی و تپه‌ای، جنگلی، دره‌ای)، اندازه (طبقات جمعیتی سکونتگاه‌ها)، و سهم دهستانی هرکدام از بخش‌ها در نظر گرفته شد. ب: نمونه‌گیری در سطح خانوار که با استفاده از فرمول کوکران Cochran و از میان خانوارهای هر دسته آبادی (به‌عنوان‌مثال روستاهای کوهستانی و متوسط یا بزرگ) انجام‌گرفته است که درمجموع تعداد (۲۶۰ خانوار) و با تعدیل (۱۷۸خانوار) در ۲۰ آبادی بخش مرکزی کوهدشت مورد پرسشگری قرار می‌گیرد. (نقشه‌های شماره ۱)

$$n=\frac{\frac{(1/96)^2(0/50)(0/50)}{(0/05)^2}}{1+\frac{1}{1357}\left(\frac{(1/96)^2(0/50)(0/25)}{(0/25)^2}\quad 1\right)}=260$$

با تعدیل $178=$ تعداد نمونه بخش مرکزی شهرستان کوهدشت

**جدول شماره ۱ تعیین حجم نمونه سکونتگاه‌های روستایی بخش مرکزی شهرستان کوهدشت برگرفته از؛ سازمان نقشه‌برداری ایران و مرکز آمار (۱۳۸۵- ۱۳۹۰).**

| شهرستان | بخش | توزیع دهستانی | ردیف | تعداد روستاهای نمونه | موقعیت طبیعی | تعداد خانوار | جمعیت | خانوارهای نمونه | تعدیل نمونه‌ها |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| شهرستان کوهدشت | بخش مرکزی | کوهدشت شمالی | 1 | گداریهن | دشتی | 6 | 43 | 1 | 2 |
| | | | 2 | شیخ عالی | جنگلی | 8 | 44 | 2 | 2 |
| | | | 3 | چیابله بالا | جنگلی | 18 | 104 | 3 | 4 |
| | | | 4 | خدارحم زیتون | کوهستانی و تپه‌ای | 20 | 57 | 4 | 4 |
| | | | 5 | پشت کیو بادام | کوهستانی و تپه‌ای | 20 | 86 | 4 | 4 |
| | | | 6 | دارابی | کوهستانی و تپه‌ای | 4 | 20 | 1 | 2 |
| | | | 7 | دم قلعه | کوهستانی و تپه‌ای | 9 | 48 | 2 | 2 |
| | | | 8 | بانه | جنگلی | 4 | 21 | 1 | 2 |
| | | | 9 | پیره بر | جنگلی | 10 | 46 | 2 | 3 |
| | | کوهدشت جنوبی | 10 | گل زردبالا | دشتی | 9 | 42 | 2 | 2 |
| | | | 11 | کیله | دره‌ای | 187 | 778 | 36 | 20 |
| | | | 12 | چمچقا | جنگلی | 18 | 76 | 3 | 4 |
| | | | 13 | چهار قلعه سادات | جنگلی | 15 | 100 | 3 | 3 |
| | | | 14 | سه آسیاب | دشتی | 48 | 236 | 9 | 8 |
| | | | 15 | باباقلی | دشتی | 83 | 422 | 16 | 15 |
| | | | 16 | سرخ دم خوشناموند | کوهستانی و تپه‌ای | 489 | 3145 | 93 | 50 |
| | | گل گل | 17 | اواره | کوهستانی و تپه‌ای | 10 | 64 | 2 | 3 |
| | | | 18 | هاشم بگ | کوهستانی و تپه‌ای | 285 | 1307 | 54 | 30 |
| | | | 19 | کوتوله حسن | دشتی | 14 | 64 | 3 | 3 |
| | | | 20 | ابوالوفا | کوهستانی و تپه‌ای | 100 | 411 | 19 | 15 |




**نقشه شماره ۱ موقعیت روستاهای نمونه بخش مرکزی شهرستان کوهدشت لرستان**
**مأخذ؛ سازمان نقشه‌برداری ایران و مرکز آمار (۱۳۹۳).**

**روش‌شناسی پژوهش**

این پژوهش از نوع توصیفی ـ تحلیلی بوده و از دو روش اسنادی و میدانی جهت گردآوری اطلاعات بهره‌گیری شده است. در روش اسنادی (کتابخانه‌ای) از ابزارهایی مانند فیش‌برداری، جداول، فرم‌ها و... و در روش میدانی نیز، از ابزارها و روش‌هایی مثل پرسشنامه (سؤالات باز و بسته)، مصاحبه، مشاهده، روش‌های صوتی ـ تصویری و روش‌های تکمیلی استفاده شد.

روش تجزیه‌وتحلیل پژوهش نیز مبتنی بر آمارهای توصیفی ـ استنباطی بوده، لذا از نرم‌افزار تحلیلی SPSS بهره‌گیری و فرضیه‌های پژوهش اثبات‌شده است. در این قسمت ابتدا با روش Steed mean به مقایسه میانگین‌های دو دوره، یعنی قبل و بعد از تشکیل نهاد دهیاری‌ها پرداخته شد و سپس برای آزمون فرضیه‌ها از «آزمون ویلکاکسون» و برای تعیین سطح معناداری نیز از آزمون T-test مزدوج استفاده‌شده است. لازم به ذکر است که جهت ترسیم نقشه‌ها نیز از نرم‌افزار تحلیل ARC GIS بهره‌گیری شد.

تحلیل یافته‌های پژوهش

شاخص‌ها و متغیرهای این پژوهش در دو بعد تولید و سرمایه‌گذاری قبل و بعد از تشکیل دهیاری‌ها در بعد تولیدی ۱۴ گویه به شرح جدول شماره (۲) و در بعد سرمایه‌گذاری نیز ۱۴ گویه (جدول شماره)، موردسنجش قرارگرفته است. گویه‌ها بر اساس «طیف لیکرت» تنظیم‌شده‌اند و در قالب ارزش خیلی کم با عدد۱ و خیلی زیاد با عدد ۵ ارزش‌گذاری شده‌اند. پرسشنامه‌ها توسط سرپرستان خانوار تکمیل و پس از ورود به نرم‌افزار Spss نتایج زیر حاصل شد:

بررسی وضعیت مدیریت مشارکتی- تعاملی در بعد تولیدی روستا قبل و بعد از نهاد دهیاری‌ها

با بررسی گویه‌های اقتصادی در بعد تولید مشاهده می‌شود که قبل از تشکیل نهاد دهیاری‌ها بیشترین میانگین گویه‌ها مربوط به «تغییر

الگوهـای سـنتی کشـت» بـا ۱٫۷۶ درصـد و کمتـرین میـانگین ۱٫۰۱ «کاهش فقر روسـتایی» بـوده اسـت؛ امـا بعـد از تشـکیل دهیاری‌هـا بیشترین میانگین مربوط بـه گویـه تثبیـت و سـنددار شـدن امـلاک و مستغلات روستایی مانند زمین‌ها و مساکن با ۲٫۳۸ درصد بعد از تشکیل نهاد دهیاری‌ها بوده است. ایـن گویـه قبـل از دهیاری‌هـا حـدود ۱٫۰۲ درصد بوده که میزان تغییری حدود ۱٫۳۶ درصد باوجود نهاد دهیاری‌هـا در روستاها داشته است. کمترین میانگین مربوط به گویه‌هـای تولیـدی نیز با ۱٫۰۳ «ایجاد و توسعه اشتغال» بوده است. با توجه به جـدول بـالا مشخص می‌شود که میانگین رتبه گویه‌ها بعد از تشکیل نهاد دهیاری‌ها در بعد افزایش سطح تولیدات روستایی تغییرات محسوسی نکرده اسـت. در بیشتر گویه‌ها و در سطح مربـوط بـه سـطح تغییـرات نیـز مشـاهده می‌شود که در زمینه‌های «ایجاد و توسعه اشتغال، دسترسی راحـت بـه نهاده‌های کشاورزی، تغییر وضعیت بازاریابی، کوتاه شدن دسـت دلالان و واسطه‌ها، ایجاد و توسعه کـارآفرینی، تغییـر الگوهـای سـنتی کشـت، افزایش میزان درامد» بعد از تشکیل نهاد دهیاری‌هـا هیچ‌گونـه تحـول مثبتی دیده نمی‌شود و در این گویـه‌ها رونـد نزولـی و منفـی را شـاهد هستیم. در گویه‌هایی مانند «افـزایش سـطح تولیـدات روسـتا، توسـعه کارگاه‌ها و صنایع، گسترش تعاونی‌های روستایی، کاهش فقر روسـتایی، کاهش مهاجرت روستا به شهر و افزایش مهاجرت‌های شهر به روسـتا» وضعیت مساعدی دیده نمی‌شود. به‌طورکلی می‌تـوان گفـت فعالیـت و عملکرد دهیاران در زمینه مشارکت و تعامل در بعد اقتصادی و تولیـدی بسیار ضعیف بوده و در منطقـه مطالعـاتی بخـش مرکـزی شهرسـتان کوهدشت فرایند مشارکت و تعامل بین مردم و مدیریان در زمینه تولیـد و اقتصاد تولیدی تغییراتی نسبت به قبل از نهاد دهیاری‌ها نداشته اسـت و یا به‌صورت خیلی جزیی بوده است.

با توجه به نتایج حاصله از میانگین مجموع نمرات گویـه‌های اقتصـادی در بعد تولید (قبل از تشکیل دهیاری‌ها ۱٫۳۲ و بعد از تشکیل دهیاری‌ها ۱٫۳۴) یعنی تغییری حدود ۰٫۰۲ درصد به این نکتـه پـی می‌بـریم کـه وضعیت اقتصادی روستاهای موردمطالعه در بعـد تولیـد بعـد از تشـکیل دهیاری‌ها نسبت به قبـل از دهیاری‌هـا تغییراتـی محسـوس نداشـته و نشان‌دهنده عملکرد بسیار ضعیف و نامناسب دهیاری‌ها در روند توسـعه اقتصـادی روسـتاهای موردمطالعـه اسـت. زمینـه مشـارکت و تعامـل اقتصادی در بعد افزایش سطح تولیدات روستایی بین مدیران و مـردم در بخش مرکزی شهرستان کوهدشـت می‌توانـد رونـد توسـعه اقتصـادی روستاهای منطقه را کند کرده و در صورت عدم توجه به تعاملات مـردم و مدیران در این زمینه‌ساز از بـین رفـتن و عـدم شـکوفایی اقتصـاد و افزایش سطح تولیدات در آینده باشد.

**جدول شماره ۲ وضعیت گویه‌های مربوط به تأثیر مدیریت مشارکتی- تعاملی و سطح تولیدات روستایی بخش مرکزی کوهدشت ۱۳۹۳**
**مأخذ: مطالعه میدانی نگارندگان ۱۳۹۳**

| ردیف | مدیریت مشارکتی– تعاملی و تولید | میانگین قبل از تشکیل دهیاری‌ها | میانگین بعد از تشکیل دهیاری‌ها | سطح تغییر |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | افزایش سطح تولیدات | ۱٫۳۶ | ۱٫۴۳ | ۰٫۰۷ |
| ۲ | ایجاد و توسعه اشتغال‌زایی | ۱٫۲۳ | ۱٫۰۳ | -۰٫۲ |
| ۳ | دسترسی به نهاده‌های کشاورزی (کود– سم و...) | ۱٫۴۵ | ۱٫۲۴ | -۰٫۲۱ |
| ۴ | تغییر مثبت بازاریابی محصولات کشاورزی و دامی | ۱٫۳ | ۱٫۲۵ | -۰٫۰۵ |
| ۵ | کوتاه شدن دست واسطه گران و دلالان | ۱٫۵۶ | ۱٫۲۳ | -۰٫۳۳ |
| ۶ | توسعه کارگاه‌ها و صنایع روستایی | ۱٫۳۴ | ۱٫۴۲ | ۰٫۰۷ |
| ۷ | ایجاد و توسعه کارآفرینی | ۱٫۲۴ | ۱٫۱۱ | -۰٫۱۳ |
| ۸ | تغییر الگوهای سنتی محصولات | ۱٫۷۶ | ۱٫۳۲ | -۰٫۴۴ |
| ۹ | میزان درامد | ۱٫۴ | ۱٫۲۰ | -۰٫۲ |
| ۱۰ | توسعه و گسترش تعاونی‌های تولیدی | ۱٫۴۵ | ۱٫۵۱ | ۰٫۰۶ |
| ۱۱ | تثبیت و سنددار شدن املاک | ۱٫۰۲ | ۲٫۳۸ | ۱٫۳۶ |
| ۱۲ | کاهش فقر روستایی | ۱٫۰۱ | ۱٫۲۱ | ۰٫۲ |
| ۱۳ | کاهش مهاجرت از روستا | ۱٫۰۲ | ۱٫۰۹ | ۰٫۰۷ |
| ۱۴ | افزایش مهاجرت به روستای شما | ۱٫۲۳ | ۱٫۲۵ | ۰٫۰۲ |
| ۱۵ | میانگین کل | ۱٫۳۲ | ۱٫۳۴ | ۰٫۰۲ |

بررسی وضعیت مدیریت مشارکتی- تعاملی در بعد تولیدی روستا قبل و بعد از نهاد دهیاری‌ها

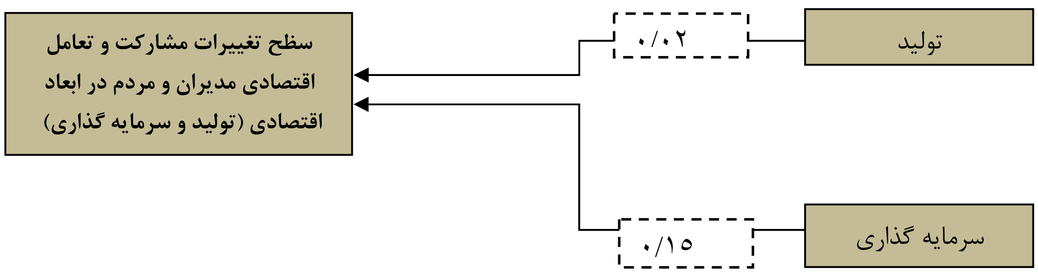
در زمینه گویه‌های اقتصادی در بعد سرمایه‌گذاری در روستاهای منطقه مطالعاتی نیز قبل از تشکیل نهاد دهیاری‌ها بیشترین میانگین گویه‌ها مربوط به «جذب سرمایه‌های دولتی» با ۱,۴۲ درصد و کمترین میانگین ۱,۰۴ «توجه به مشاغل سرمایه‌بر و توسعه گردشگری و سرمایه‌گذاری در توسعه صنایع و کارگاه‌ها» بوده است؛ اما بعد از تشکیل دهیاری‌ها بیشترین میانگین مربوط به گویه «توسعه گردشگری» با ۲,۱۳ درصد بعد از تشکیل نهاد دهیاری‌ها بوده است. این گویه قبل از دهیاری‌ها حدود ۱,۰۴ درصد بوده که میزان تغییری حدود ۱,۰۹ درصد با وجود نهاد دهیاری‌ها در روستاها داشته است. کمترین میانگین مربوط به گویه‌های سرمایه‌گذاری نیز با ۱,۰۳ «توجه به مشاغل سرمایه‌بر» بوده است. آمارهای موجد در جدول شماره ۳ مربوط به سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد که، میانگین رتبه گویه‌ها بعد از تشکیل نهاد دهیاری‌ها در بعد «توجه به مهارت‌های دانشگاهی، سرمایه‌گذاری در توسعه صنایع و کارگاه‌های روستایی، اعتماد به سرمایه‌گذاری در روستا، توسعه گردشگری و توریسم روستایی، جذب سرمایه‌های بومی، اخذ وام‌های دولتی، صندوق‌های قرض‌الحسنه، صندوق‌های پس‌انداز» روند کندی را شاهد هستیم. تغییرات جزئی افزایش در این گویه‌ها نشان‌دهنده تأثیر هرچند ضعیف مدیریت نهاد دهیاری‌ها در تعامل و مشارکت در بعد سرمایه‌گذاری روستاها است. در گویه‌هایی مانند «توجه به مشاغل سرمایه‌بر، توجه به سرمایه‌های غیربومی و خارج از روستا و حتی جذب سرمایه‌های دولتی مانند وام» با روندی نزولی بعد از تشکیل نهاد دهیاری‌ها روبرو هستیم. به‌طورکلی می‌توان گفت فعالیت و عملکرد دهیاران در زمینه مشارکت و تعامل در بعد اقتصادی و سرمایه‌گذاری بسیار ضعیف بوده و در منطقه مطالعاتی بخش مرکزی شهرستان کوهدشت فرایند مشارکت و تعامل بین مردم و مدیریان در زمینه سرمایه‌گذاری نیز همانند تولید تغییراتی نسبت به قبل از نهاد دهیاری‌ها نداشته است و یا به‌صورت خیلی جزیی بوده است.

**جدول شماره ۳ وضعیت گویه‌های مربوط به تأثیر مدیریت مشارکتی- تعاملی و میزان سرمایه‌گذاری‌های روستایی بخش مرکزی کوهدشت ۱۳۹۳**

**مأخذ: مطالعه میدانی نگارندگان ۱۳۹۳**

| ردیف | مدیریت مشارکتی- تعاملی و سرمایه‌گذاری | میانگین قبل از تشکیل دهیاری‌ها | میانگین بعد از تشکیل دهیاری‌ها | سطح تغییرات |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | توجه به مهارت‌های دانشگاهی مرتبط با تولید و سرمایه‌گذاری | 1/1 | 1/3 | 0/2 |
| ۲ | سرمایه‌گذاری در توسعه صنایع و کارگاه‌های مرتبط با محصولات روستا | 1/03 | 1/22 | 0/19 |
| ۳ | توسعه گردشگری | 1/04 | 2/13 | 1/09 |
| ۴ | اعتماد به سرمایه‌گذاری | ½ | 1/46 | 0/26 |
| ۵ | جذب سرمایه‌های بومی روستا | 1/08 | 1/09 | 0/01 |
| ۶ | توجه به مشاغل سرمایه‌بر در روستا | 1/04 | 1/03 | -0/01 |
| ۷ | جذب سرمایه‌های غیربومی و بیرون از روستا | 1/23 | 1/22 | -0/01 |
| ۸ | اخذ وام‌های بانکی برای توسعه اقتصاد روستا | ½ | 1/28 | 0/08 |
| ۹ | جذب سرمایه‌های دولتی در روستا | 1/42 | 1/35 | -0/07 |
| ۱۰ | توسعه اشتغال غیر کشاورزی برای افراد بدون زمین | 1/08 | ۱/۲ | 0/12 |
| ۱۱ | توسعه صندوق‌های پس‌انداز توسعه اقتصاد روستایی | 1/34 | 1/45 | 0/11 |
| ۱۲ | وجود صندوق قرض‌الحسنه روستایی | 1/21 | 1/24 | 0/03 |
| ۱۳ | میزان سرمایه‌گذاری تولیدی در روستا | 1/04 | 1/08 | 0/04 |
| **۱٤** | **میانگین کل** | **۱,۱۵** | **۱,۳۱** | **۰,۱۵** |

نتایج حاصله از میانگین مجموع نمرات گویه‌های اقتصادی در بعد سرمایه‌گذاری در روستاهای موردمطالعه نیز (قبل از تشکیل دهیاری‌ها ۱,۱۵ و بعد از تشکیل دهیاری‌ها ۱,۳۱) یعنی تغییری حدود ۰,۱۵ درصد به این نکته پی می‌بریم که وضعیت اقتصادی روستاهای موردمطالعه در بعد سرمایه‌گذاری نیز اگرچه نسبت به بعد تولید بالاتر است اما در این زمینه نیز بعد از تشکیل دهیاری‌ها نسبت به قبل از دهیاری‌ها تغییراتی محسوس نداشته و نشان‌دهنده عملکرد بسیار ضعیف، نامناسب و بدون برنامه‌ریزی دهیاری‌ها در روند توسعه اقتصادی روستاهای موردمطالعه است. زمینه مشارکت و تعامل اقتصادی ضعیف در بعد افزایش سرمایه‌گذاری، جذب سرمایه‌های بومی و غیربومی و ایجاد مشاغل سرمایه‌ای روستایی بین مدیران و مردم در بخش مرکزی شهرستان کوهدشت توسعه اقتصادی منطقه و اقتصاد پایدار سکونتگاه‌های روستایی را تضعیف نموده است.




## آزمون فرضیه پژوهش

با توجه به فرضیه پژوهش «عملکرد مدیریتی نهاد دهیاری‌ها در بعد اقتصادی تولید و سرمایه‌گذاری در روستاهای بخش مرکزی شهرستان کوهدشت مثبت بوده و وضعیت اقتصادی روستاهای نمونه قبل و بعد از نهاد دهیاری‌ها از تفاوت معناداری برخوردار است»؛ داده‌های جمع‌آوری‌شده از طریق پرسشنامه خانواری وارد نرم‌افزار تحلیلیSpss شده و با استفاده از آزمون ویلکاکسون مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج به‌دست‌آمده از آزمون ویلکاکسون برای گویه‌های اقتصادی به شرح جداول شماره (۵و۴)، آمده است.

**جدول شماره ٤ نتایج به‌دست‌آمده از آزمون ویلکاکسون برای گویه‌های اقتصادی در بعد تولید روستاهای بخش مرکزی شهرستان کوهدشت**

**مأخذ: مطالعه میدانی نگارندگان ۱۳۹۳**

| ردیف | مدیریت مشارکتی– تعاملی و تولید | میزان z | سطح معناداری |
|---|---|---|---|
| ۱ | افزایش سطح تولیدات | -۲,۳۴ | ۰,۰۰۰ |
| ۲ | ایجاد و توسعه اشتغال‌زایی | -۳,۵۶ | ۰,۰۰۰ |
| ۳ | دسترسی راحت‌تر به نهاده‌های کشاورزی (کود- سم و...) | -۶,۴۳ | ۰,۰۰۰ |
| ۴ | تغییر مثبت بازاریابی محصولات کشاورزی و دامی | -۹,۲۳ | ۰,۰۰۰ |
| ۵ | کوتاه شدن دست واسطه گران و دلالان | -۱۱,۲ | ۰,۰۰۰ |
| ۶ | توسعه کارگاه‌ها و صنایع روستایی | -۱۴,۴ | ۰,۰۰۰ |
| ۷ | ایجاد و توسعه کارآفرینی | -۳,۵ | ۰,۰۰۰ |
| ۸ | تغییر الگوهای سنتی محصولات | -۴,۳ | ۰,۰۰۰ |
| ۹ | میزان درامد | -۵,۶ | ۰,۰۰۰ |
| ۱۰ | توسعه و گسترش تعاونی‌های تولیدی | -۱۱,۵ | ۰,۰۰۰ |
| ۱۱ | تثبیت و سنددار شدن املاک | -۷,۶ | ۰,۰۰۰ |
| ۱۲ | کاهش فقر روستایی | -۲,۶ | ۰,۰۰۰ |
| ۱۳ | کاهش مهاجرت از روستا | -۷,۸ | ۰,۰۰۰ |
| ۱۴ | افزایش مهاجرت به روستای شما | -۹,۴ | ۰,۰۰۰ |

**جدول شماره ۵ نتایج به‌دست‌آمده از آزمون ویلکاکسون برای گویه‌های اقتصادی در بعد سرمایه‌گذاری روستاهای بخش مرکزی شهرستان کوهدشت**

**مأخذ: مطالعه میدانی نگارندگان ۱۳۹۳**

| ردیف | مدیریت مشارکتی- تعاملی و سرمایه‌گذاری | میزانZ | سطح معناداری |
|---|---|---|---|
| ۱ | توجه به مهارت‌های دانشگاهی مرتبط با تولید و سرمایه‌گذاری | -۱۳,۳ | ۰,۰۰۰ |
| ۲ | سرمایه‌گذاری در توسعه صنایع و کارگاه‌های مرتبط با محصولات روستا | -۷,۴۳ | ۰,۰۰۰ |
| ۳ | توسعه گردشگری | -۱۴,۵ | ۰,۰۰۰ |
| ۴ | اعتماد به سرمایه‌گذاری | -۴,۳ | ۰,۰۰۰ |
| ۵ | جذب سرمایه‌های بومی روستا | -۳,۱ | ۰,۰۰۰ |
| ۶ | توجه به مشاغل سرمایه‌بر در روستا | -۸,۲۳ | ۰,۰۰۰ |
| ۷ | جذب سرمایه‌های غیربومی و بیرون از روستا | -۲,۳ | ۰,۰۰۰ |
| ۸ | اخذ وام‌های بانکی برای توسعه اقتصاد روستا | -۱۱,۱ | ۰,۰۰۰ |
| ۹ | جذب سرمایه‌های دولتی در روستا | -۹,۲ | ۰,۰۰۰ |
| ۱۰ | توسعه اشتغال غیر کشاورزی برای افراد بدون زمین | -۳,۴ | ۰,۰۰۰ |
| ۱۱ | توسعه صندوق‌های پس‌انداز توسعه اقتصاد روستایی | -۲,۳ | ۰,۰۰۰ |
| ۱۲ | وجود صندوق قرض‌الحسنه روستایی | -۴,۵ | ۰,۰۰۰ |
| ۱۳ | میزان سرمایه‌گذاری تولیدی در روستا | -۵,۸ | ۰,۰۰۰ |

بر اساس آزمون ویلکاکسون، p محاسبه‌شده در سطح آلفا ۰,۰۵ و با اطمینان ۰,۹۵ کوچک‌تر از سطح آلفا ۰,۰۵ است؛ بنابراین فرضیه H0 تأیید می‌شود؛ و می‌توان نتیجه گرفت که بین نهاد دهیاری‌ها و توسعه اقتصادی در بعد تولید و سرمایه‌گذاری رابطه معناداری وجود ندارد و میانگین بسیار ضعیف گویه‌های طیف لیکرت نیز در بعد تولید با سطح تغییرات ۰,۰۲ صدم قبل و بعد از نهاد دهیاری و در بعد سرمایه‌گذاری نیز ۰,۱۵ صدم نشان‌دهنده این واقعیت است؛ بنابراین دهیاران به‌عنوان مدیران و بازوهای اجرایی شوراهای اسلامی در بخش مرکزی شهرستان کوهدشت نتوانسته‌اند در بعد اقتصادی با تأکید بر افزایش سطح تولیدات روستایی و جذب سرمایه‌گذاری کارکردی ارزنده و قابل‌قبول داشته باشند.

بعد از انجام آزمون ویلکاکسون برای تعیین رابطه معناداری بین تشکیل نهاد دهیاری‌ها و توسعه اقتصادی با تأکید بر تولید و سرمایه‌گذاری از آزمون T- test مزدوج استفاده شد. برای این کار گویه‌های مربوط به تولید و سرمایه‌گذاری را با عمل compute از حالت رتبه‌ای تبدیل به فاصله‌ای کرده و امکان جمع‌بندی گویه‌های طیف لیکرت برای این آزمون فراهم شد. نتایج این آزمون نشان داد که رابطه معناداری ۳,۲۷، بین توسعه اقتصادی (تولید و سرمایه‌گذاری) وجود دارد.

**جدول شماره ٦ آزمون T-test جهت معناداری ارتباط بین دهیاری‌ها و توسعه اقتصادی (تولید و سرمایه‌گذاری)**

**مأخذ: مطالعه میدانی نگارندگان ۱۳۹۳**

| متغیرها | شاخص‌ها آماری | میانگین | T | df | p |
|---|---|---|---|---|---|
| **وضعیت تولید و سرمایه‌گذاری قبل از نهاد دهیاری‌ها** | | ۱,۲۳ | ۳,۴۲ | ۱۷۷ | ۰,۰۰۰ |
| **وضعیت تولید و سرمایه‌گذاری بعد از نهاد دهیاری‌ها** | | ۱,۳۳ | | | |

## جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش هدف اصلی (تأثیر عملکرد مدیریت مشارکتی– تعاملی دهیاران در توسعه اقتصاد روستایی با تأکید بر عناصر"تولید"و"سرمایه‌گذاری") بود. برای این کار ابتدا میانگین نمرات هرکدام از گویه‌های مرتبط با تولید و سرمایه‌گذاری حاصل از تکمیل پرسشنامه‌های خانواری روستاهای نمونه استخراج و تحلیل شد. در این تحلیلی مقدماتی وضعیت روستاها را در زمینه‌های تولید

و سرمایه‌گذاری قبل و بعد از تشکیل نهاد دهیاری‌ها سنجیده و میانگین کلی این دو شاخص نیز استخراج شد.

سپس به‌منظور بررسی آزمون فرضیه پژوهش «عملکرد مدیریتی نهاد دهیاری‌ها در بعد اقتصادی تولید و سرمایه‌گذاری در روستاهای بخش مرکزی شهرستان کوهدشت مثبت بوده و وضعیت اقتصادی روستاهای نمونه قبل و بعد از نهاد دهیاری‌ها از تفاوت معناداری برخوردار است» از آزمون ویلکاکسون استفاده شد؛ که در این قسمت نیز فرضیه پژوهش، $P$ محاسبه‌شده در سطح آلفا با ۰،۹۵ درصد اطمینان کوچک‌تر از سطح الفا۰،۰۵ به دست آمد به همین دلیل فرضیه $H0$ تأیید و فرضیه $H1$ را رد کردیم. نتایج فرضیه نشان‌دهنده عملکرد بسیار ضعیف دهیاری‌ها به‌عنوان مدیران روستایی در جلب مشارکت و تعامل اقتصادی (تولید و سرمایه‌گذاری) روستاییان است. بر مبنای تحلیل‌های انجام‌شده می‌توان در این پژوهش بیان نمود که، روش‌های سنتی مدیریت روستایی، امروزه برای اداره امور و توسعه روستایی بخصوص در بعد اقتصادی (افزایش تولید و جلب سرمایه و سرمایه‌گذاری) کارساز نیستند. مدیریت جدید توسعه روستایی باید، درک توسعه محلی، بروز ابتکارها، جمع‌گرایی و مشارکت و تعامل سازنده‌ای برای توسعه اقتصادی داشته باشد. مدیریت روستایی درواقع فرایند سازمان‌دهی و هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها، نهادها و فعالیت‌ها، است. بر این اساس الگوی مطلوب مدیریت توسعه اقتصادی روستایی باید دارای چهار زمینه کلیدی و اصلی شامل برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، اداره و رهبری و کنترل باشد و تا به‌عنوان یک حلقه، ابعاد اصلی و کارکردی مدیریت روستایی را به یکدیگر پیوند دهند و افزون بر این معیارها و متغیرهای کلیدی دیگر همچون مشارکت مردم محلی، تعامل، جامعیت و یکپارچگی، هدایت و رهبری، منابع مالی پایدار، آموزش نیروی انسانی هماهنگی و همکاری با نهادها و سازمان‌های مختلف و شورای اسلامی روستا بایستی موردتوجه لازم قرار گیرد. مهم‌ترین مشکلاتی که می‌توانند در روند توسعه اقتصادی (در بعد تولید و سرمایه‌گذاری) و مشارکت و تعامل مدیران و مردم در این زمینه تأثیر داشته باشند به شرح ذیل است:

- عدم تجربه کافی مدیران روستایی در زمینه جذب سرمایه‌های بومی و غیربومی؛
- عدم تجربه مدیران روستایی در زمینه افزایش سطح تولیدات روستایی و تغییر در شیوه‌های تولید مانند تنوع تولید؛
- نوپا بودن نهاد دهیاری‌ها و عدم اعتماد کافی مردم به این نهاد در زمینه توسعه اقتصادی؛
- محدودیت‌های ساختاری و قانونی مالی و منابع نهاد نوپای دهیاری‌ها؛
- سطح تحصیلات پایین و یا غیر مرتبط دهیاران با نظام برنامه‌ریزی روستایی و برنامه‌های توسعه اقتصاد روستایی.

بنابراین در زمینه ارتقای جایگاه نهاد دهیاری‌ها در زمینه توسعه برنامه‌های اقتصادی روستاها می‌توان موارد زیر را پیشنهاد نمود:

- به‌کارگیری دهیاران با تحصیلات مرتبط با برنامه‌ریزی روستایی و توسعه اقتصاد روستایی؛
- اصلاح ساختار قانونی نهاد دهیاری‌ها و تعیین جایگاه این نهاد در نظام برنامه‌ریزی کلان کشور؛
- استفاده از تجربه‌های افراد بومی و به‌کارگیری دانش بومی در کنار نظام برنامه‌ریزی علمی و دانشگاهی؛
- آگاه‌سازی مردم به وظایف و نقش و عملکرد مدیران محلی بخصوص دهیاران؛
- توجه دولت به برنامه‌های سرمایه‌بر نهاد دهیاری‌ها در روستاها؛
- برنامه‌ها و بسته‌های تشویقی زمینه‌ساز مشارکت و تعامل بیشتر مردم و دهیاران؛

– ارتباط نزدیک و جلب اعتماد مردم و مدیران روستایی برای زمینه‌سازی توسعه اقتصادی (تولید و سرمایه‌گذاری).

## کتابنامه


افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین. (۱۳۸۴). *تئوری‌ها و نظریه‌های برنامه‌ریزی روستایی* (جزوه درسی). گروه جغرافیا و سنجش‌ازدور. دانشگاه تربیت مدرس.

افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین؛ سجاسی قیداری، حمدالله؛ عینالی، جمشید. (۱۳۸۶). «نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار». *فصلنامه روستا و توسعه*. سال۱۰. شماره ۲.

استونر، جیمز آرتور فینج. (۱۳۷۹). *مدیریت*. ترجمه علی پارساییان. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

بدری، سید علی؛ موسوی، سید عارف. (۱۳۸۸). *مدیریت نوین روستایی در جستجوی راه‌کاری مناسب برای توسعه دهیاری‌ها*. تهران: اشتیاق نور.

پرهیزکار، کمال. (۱۳۸۲). *تئوری‌های مدیریت*.

حسینی ابری، سید حسن. (۱۳۸۳). *مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران*. چاپ دوم. انتشارات دانشگاه اصفهان.

حقیقی، محمدعلی. (۱۳۷۸). *تئوری‌های مدیریت، اصول، مبانی، فرایند*. نشر نقش مهر.

رضائیان، علی. (۱۳۸۰). *اصول مدیریت*. انتشارات سمت.

سعیدنیا، احمد. (۱۳۷۹). *کتاب سبز شهرداری: جلد مدیریت شهری*. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.

شمیمی، حجت؛ بوکانی، رشید؛ بهرامی، سلطان. (۱۳۹۰). «بررسی چالش‌ها و معضلات مدیریت نوین روستایی (نمونه موردی :بخش قدس از شهرستان شهریار)». *مجموعه مقالات اولین همایش ملی جغرافیا و برنامه‌ریزی توسعه روستایی*. دانشگاه فردوسی مشهد.

فیروزنیا، قدیر؛ افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین. (۱۳۸۲). *جایگاه روستا در فرایند توسعه ملی از دیدگاه صاحب‌نظران*. تهران: موسسه توسعه روستایی.

کیا، منوچهر. (۱۳۷۷). *تئوری‌های مدیریت و مدل‌های سازمان*. مرکز آموزش مدیریت دولتی.

معارفی، فاطمه. (۱۳۸۱). *ارائه الگوی ساختاری برای مدیریت نظام توسعه روستایی کشور مبتنی بر برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه مدیریت. دانشگاه تربیت مدرس.

ملک لگان، پاتریشیا. (۱۳۸۰). *عصر مشارکت*. ترجمه مصطفی اسلامیه. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

*ESCAP. (1996). Showing the Way: Methodologies for Successful Rural Poverty Alleviation Projects. Bangkok.*

*Zaslow, M. et al. (2000). "Welfare reform and children: potential implications", Number A-23 in Series on New Federalism. Avaiable on: www.newfederalism.com.*